

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

ن. نیستانی - کابل افغانستان

۱۲ نومبر ۲۰۱۱

## واکنش جبهه ملی در برابر کنش لویه جرگه سنتی

در این نوشته تنها سعی بر این خواهد بود تا ناکارآمدی را که معترضان بالفعل دولت افغانستان که خود کمابیش در پیوند نیم بند با اربابان قدرت کابل نیز می زینند به عنوان یکی از دلایل زمزمه نظام پارلمانی برشماری گردد.

- ضعف مدیریت سیاسی که صفت غیر قابل چشم پوشی برای مسند نشینان کنونی افغانستان نیست می تواند به مشخصه ای مبدل گردد که بدیل نظام دگرگونه را در مخیله مخالفان چه به رغم تغییر به نام خدمت به مردم و یا با توجه به سابقه ناخوشایند زمزمه سرایان کنونی هریک عبدالرشید دوستم ، احمد ضیاء مسعود و محقق به هدف چرخش منافع به جهت خودی شنیدنی بنمایاند .

- هرچند نظام های سیاسی با توجه به هنجارهای سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، مذهبی و یا حتی محتوایی می تواند به گزینه های موفق و ناموفق در کشور های مختلف جهان نمونه برداری گردد و اما دگرگونی جامعه گسسته هنجار و گسیخته افسار سرهانی که به نام سردمدار پیش قراولان توده های مردم اند ، نمی تواند فاجعه بار نباشد ..

- نظام سیاسی منحصر به فرد فدریشن و در عین حال شاهی کشورمالیزیا می تواند ثابت کند که در جامعه مسلمان و اما شکوفای اقتصادی می توان حتی با منافع اریستوکراسی های منطقه ئی کنار آمد و طرحی را ریخت که شاید بانیان آن تنها روی منافع ملی مالیزیا با ترکیب مالای ، چینی و هندی آن می اندیشیده اند .

- در مثال کشور های امریکا و فدراسیون روسیه و کشور المان نیز رگه هائی از منطق سیاسی را که در تطابق با نظم جامعه و خواست مردم همگام بوده است نیز مثال کامیاب سیستم فدرال را نه به گونه مطلق که همان خوب نسبی یافت .

- و اما خصوصیت قابل تأمل نظام فدرالی که همانا تمرکز زدائی آن است می تواند در افغانستان به یک بازده مثبت دست یازد یا کماکان با تمسک و توسل طلایه دارانش به نظام ملوک الطوائفی خواهد انجامید ؟

- شکی نیست که اصرار کرسی و طرفداران ابقای او در این مدارگسیختگی بر وحشت رقبای سیاسی او دامن می زند چه دیرباز نیست که لویه جرگه تب بهتر از مرگ برای افغانستان بوده و هرچه را که از راه و روش های دگر برتابیدنی نبوده با مهر لویه جرگه الزام آورش ساخته اند ؟

- پرسش اینجاست که اگر گردآمدگان این جرگه لویان منسوب به دار و دسته کرزی باشند پس فیصله ها هم به نفع همانهاست و یا در یک مثال ساده هرگاه باز هم لویه جرگه با میزبانی و یا کوربتوب لویان مثلا طالبان باشد باز هم فیصله همان است که آنها می خواهند یعنی لویه جرگه ظرفی است که مظروفش نشان می دهد چه بیرون خواهد آمد.

- در این لویه مداری گری آنان که قربانی می شوند مردم استند و آنچه به حاشیه رانده می شود همان اصطلاحات هرچند نجسب و اما ضروری و حیاتی افغانستان امروز است که واژه دموکراسی در سرخط قرار دارد

- نظام پارلمانی که کمابیش مشق دموکراسی را در افغانستان از ده سال بدینسو رواج داده و مشاقان یا خوب یا بد از انگشتان ماشه به دست دیروزی به دست های بوتل به دست ترقیده اند ، می توانست در بعد ها یا نسل دوم و سومی اش یک نهاد منتقد و پویای احزاب مخالف گردد و آنگاهی که مبارزه درون پارلمانی حزبی در آنجا شکل می گرفت دیگر ضابطه های سیاسی و اصلاحی شاید جناح مخالف دولت را تشکیل می داد .

- با دریغ که هم و غم مخالفان در تشکیل گروهک ها و خط های پارلمانی تقلیل یافت و اندیشه یک حزب سالم که مبارزه پارلمانی را سامان دهد از نظر دور ماند.

- هوشیاری وزیرکی با اندک مایه هائی از مودی گری این مضحکه را چنان ساخت که حالا یگانه کلید راه حل افغانستان لویه جرگه است و خیمه اهدائی المان

- پشت این خیمه را ما می دانیم و خوانندگان که دیگ ها برپا می شود و معامله پزی ها در کنار بوی خوش پلو و چلو گواری طبع شکم پرستان و معامله گران خواهد بود .

- در این خیمه شب بازی که تمام گدی ها با تارها و رشمه های نامرئی به سرپنجه های دگر وصل اند ، چند تن دگر که هم سابقه شان برایمان ناپیدا نیست و نیز هم اندیشه ایشان اصل منطقی دیگری را که همان نظام پارلمانی است به عنوان آخرین تیر از ترکش رها می کنند .

- یقینا نظام پارلمانی شاید پاسخگوی بسیاری از نابسامانی های افغانستان باشد اما نه حالا و نه هم با فدرالیست های از قماش دوستم و محقق که باری در نطق حمایتی اش از کاندیدای دوم ریاست جمهوری کرزی در مناطق هزاره نشین مان آنها را تشویق می کرد که الان دوره نقره ای ماهاست و با هوشیار آن را نگه داریم تا رسیدن به دوره طلائی

- این خواب های دوره طلائی و نقره ئی چه با تعبیر کرزی باشد، با لویه جرگه قلابی اش و یا هم با خوابگذاری محقق باشد با دوره طلائی اش و یا هم با فدرال خواهی دوستم باشد پایان خوش ندارد.

- هرگاه افغانستان بتواند در پرتو حتی یک نظام فدرالی به شگوفائی برسد پیشتر از همه به ملتی نیاز دارد که به گونه یک پارچه منافع ملی داشته باشند و وجه افتراق این نظام مذهب یا قوم نباشد چنانکه حالا ها دارد، نسج می گیرد.

- آنانی که با دیده درائی توجیه می کنند مثلا مردم تاجک می خواهند با تعصب کمتر دخترانشان به دانشگاه بروند و اگر هیرمندی نمی خواهد بگذار، پوهنتون آنجا بسته بماند به گمان بنده خابینی اند که از جاده انسانیت بیرون اند و می خواهند هزاران زن و کودک جنوب و شرق ما را قربانی جهل وارداتی و انگیزه نوکر پرستی جبونانه خود بگردانند.

- اگر افغانستان قرار است از اسارت جهل و خودپرستی و دین خوئی جابرانه برهد این باید برای همه باشد از شرق تا غرب و از شمال تا جنوب

- هیچ دست پلیدی نباید با توسل نیت خودی پاره ای از بدنه زخمی افغانستان را در میز بده و بستان و یا زیر خیمه قربانی کند.  
هرگز مباد !!!

#### **یادداشت:**

با تأکید بر دید وطنخواهانه و مسؤولانه همکار گرامی ما آقای "نیستانی" که ترقی کشور و سعادت مردمان آن را در گرو موجودیت ملتی یک پارچه و متحد که همه حافظ منافع ملی شان باشند نه قومی، مذهبی و زبانی می دانند؛ باید بیفزائیم:

ما را اعتقاد بر آن است که مشکل اساسی افغانستان نه امروز و نه دیروز شکل حکومت داری در افغانستان بوده و برای نیز نخواهد بود، بلکه در اساس این ماهیت دست نشاندگی و مزدور منشانه حاکمیت هاست که به مثابه یک اصل ساختاری "گره کور" افغانستان را به وجود آورده، نتایج تمام تشبثات به ظاهر مثبت را هم به آخور اشغالگران و ایادی آنها می ریزاند.

بر همین مبنا، آنچه اکنون بین اداره مستعمراتی کابل و به اصطلاح اپوزیسیون سازشکار و وابسته تر از آن اداره به ارتباط شکل مناسب حاکمیت می گذرد، ضمن آن که هر دو طرف ماهرانه و آگاهانه می خواهند ماهیت وابستگی و دست نشاندگی اداره کابل را بپوشانند، تلاش دارند تا نقش قدرت های ذیدخل در امور افغانستان را که بدون استثناء همه در جهت تجزیه افغانستان گام می گذارند، از دید مردم پنهان داشته نقش خابنه و تجزیه طلبانه خویش را در پناه استفاده از این و یا آن شکل حاکمیت کتمان نمایند.

اداره پورتال AA-AA

Reply

Forward

Niaz is not available to chat